

■ عبدالکریم پاکنیا تبریزی



کتاب



نشانه



نگاره



کرانه



آموزه

شمیم وحی

# امام حسین (ع) وقرآن



شمیم  
وحی

طبق تفسیر امامان معصوم (ع) قرآن کریم در آیات متعددی از مقام شامخ حضرت سیدالشهدا (ع) تجلیل و ستایش کرده است. این تعظیم و تجلیل با گاهی به تفاسیر و روایات ائمه اهل بیت (ع) به روشنی قابل درک است. مصداق کامل نفس مطمئنه، حله‌ای از رحمت حق، بدی حلیل القدر و واجب‌الاطاعة، بارزترین عوام مظلومان عالم و سید و سالار شهیدان، دج عظیم الهی، معنای حقیقی کبعض، فجر، ریتون و مرجان از القاب، عنوان‌ها و واردهای مقدسی است که قرآن در مقام تعظیم شخصیت امام حسین (ع) از آنان بهره گرفته است.

### همراهی قرآن و اهل بیت (ع)

ما بر این باوریم که قرآن و امام حسین (ع) از همدیگر جدا نیستند و هرگز از یکدیگر فاصله نمی‌گیرند. رسول خدا (ص) در این باره فرموده: «خداوند متعال ما را آفرید و هم‌حرف بی‌شمارگانی ایمان قرار داد که هرگاه بناهای غریب و غریب، بناهای به جای او طلوع خواهد کرد. من همانند آفتاب عالم تاب هستم، هرگاه از دنیا رفتم به ماه بانه برپید و بعد از او به دو ستاره بر نور پناهنده شوید». گفتند: یا رسول الله! ماه کیست؟ فرمود: «برادرم، جانشینم، برداخت‌کننده فرض‌هایم و بدر فرزندم و خلیفه من در میان اهل بیتم؛ علی بن ابی‌طالب».

گفتند دو ستاره بر نور کیستند؟ فرمود: «حسن و حسین بعد از آن پیامبر (ص) مقداری ساکت شده و فرمود: «هؤلاء و فاطمه و اهل‌بیت و اهل‌بیت هم مع القرآن لا یفترقان حتی یرد علی الخوض؛ ائمه و فاطمه که همان روزه اشاره در خسان است. عبرت و اهل‌بیت هستند. ائمه با قرآن هستند و از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوی بر زمین وارد شوند».

### عاشورا در قرآن

در تفسیر آیه ۱۷ سوره بینه که خداوند می‌فرماید: «لم یرالی الدین قبل لیهم کفراً یدیکم؛ آیا نماندی کسانی را که به آنها گفته شد از جنگ و مبارزه دست نگه‌دارید. (اما آنها از این دستور ناسمجح بودند). امام صادق (ع) فرمود: این قرازی که به بی‌عوض به صلح امام حسین (ع) و پیروان اوست. در ادامه خداوند می‌فرماید: «فما کنت علیهم القتال إذا فریق بینهم یخشون الناس کخشیة الله أو استخشیة وقالوا یرثنا لیم کینت علینا القتال؛ اما هنگامی که فرمان مبارزه و جهاد به آنان داده شد، جمعی از آنان از مردم می‌ترسیدند همان‌گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه پیش‌تر از خدا، از دیگران می‌ترسیدند و گفتند: خداوند! چرا بر ما جهاد او مبارزه و جنگ مقرر داشتی؟»

این بخش از آیه، مبارزه در کنار امام حسین (ع) و شرکت در حماسه او را می‌رساند. سپس خداوند از زبان مسلمانان سست ایمان می‌فرماید: «لولا آخرتنا الی اهل‌بیت؛ خدایا چرا این جنگ را به آینده نزدیک موقوف نکردی؟ یعنی عصر ظهور قائم (ع) زیرا که نصرت و نیروی در حکومت حضرت مهدی (ع)

خواهد بود.

خداوند به هر سه اعراض و نافرمانی آنان پاسخ داده و با سرزنش آنان می‌فرماید: «قل متاع الدنیا قلیل والآخره خیر لمن اتقی ولا تظلمون قیلاً؛ آه آنان! بگو سرمایه زندگی دنیا کم است و سرای آخرت برای برهنگران بهتر است و درهای به شما ستم نخواهد شد».

### معنای کبعض

در تفسیر اولین آیه سوره مريم آمده است: «سعدین عبدالله از محضر امام زمان (ع) پرسید: معنای کبعض که در اول سوره مريم آمده چیست؟ امام زمان (ع) پاسخ داد: این حروف از راهای غیبی است که خداوند متعال بنده‌اش زکریا (ع) را بر آن آگاه کرد. سپس آن را به حضرت محمد (ص) حین شرح داد. روزی حضرت زکریا از خداوند متعال درخواست کرد که نام‌های بیخ‌تون آله‌ها را به او بیاموزد و خداوند توسط جبرئیل آنها را به او آموخت. زکریا (ع) وقتی نام محمد و علی و فاطمه و حسن (ع) را گفت غصه‌هایش بر طرف شد و آرامش یافت. اما وقتی از حسین (ع) نام برد، اشک جشم‌اش سرازیر شد و دلش شکست. بد خداوند عرضه داشت: یا زکریا! این چه سری است که نام چهار تن به من آرامش بخشید، اما یاد حسین (ع) اشکم را روان و آه و ناله‌ام را بلند کرد؟ خداوند متعال واقعه شهادت امام حسین (ع) را با کبعض به او خبر داد و در معنای آن فرمود: کاف، اشاره به کربلا؛ هاد، هلاکت طاهری عبرت پیامبر (ص)؛ یاء، اشاره به نام برید و سمگری؛ عین، عطش و صاء، صبر و بردباری حسین (ع) را می‌رساند».

حضرت زکریا بعد از شنیدن این معانی سه روز از سجد بیرون نماند و با کسی ملاقات نکرد و در آن مدت شغول گریه و ناله بود و در آن حال می‌گفت: «خداوند! آیا بهترین بشر را با عصیبت فرزندش سوگوار خواهی ساخت؟ آنا به علی و فاطمه (ع) لیس عزا می‌نوشانی، بعد از آن عرضه داشت: یا زکریا! به من فرزندی عطا فرما که در این سن پیری جسم روشن شود، بعد از آن مزایه حیات او بفقون گردان، آن‌گاه مرا به مصیبتش دچار نما؛ همان‌طور که محتوبت بخدا (ص) را به عزای فرزندی می‌نمانی! خداوند یحیی را به او عطا کرد و او شش ماهه به دنیا آمد همان‌طور که امام حسین (ع) نیز شش ماهه متولد شد».

### سالار شهیدان

در معنای آیه: «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً... هر کس مظلومانه کشته شود، برای ولی او سلطه (حق قضای) قرار داده‌ایم...» امام باقر (ع) فرمود: مقصود آیه از مظلوم، حسین بن علی (ع) است و ما اهل‌بیت (ع) ولی او هستیم. قائم ما اهل‌بیت (ع) نیز هرگاه قیام کند به خونخواهی و انتقام حضرت سیدالشهدا (ع) برمی‌خیزد و از قاتلان آن حضرت انتقام می‌گیرد».

خداوند متعال در سوره حدید می‌فرماید: «یا ایها

الذین آمنوا اتقوا الله وامنوا برسوله یتوکلن کفلین من رحمته ویجعل لکم نوراً یتمشون به؛ ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهیم از رحمتش به شما ببخشد و برای سمان‌وی قرار دهد که با آن راه بروید».

حارث بن عبدالله درباره این آیه می‌گوید: «عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فی قول الله تعالی یتوکلن کفلین من رحمته، قال صلی‌الله‌علیه‌وآله الحسن و الحسن و یجعل لکم نوراً یتمشون به، قال صلی‌الله‌علیه‌وآله علی؛ پیامبر (ص) درباره این سخن خداوند که فرمود: یتوکلن کفلین من رحمته فرمود: دو سهیم از رحمت خداوند امام حسن و امام حسین (ع) است و منظور از نور خدا، حضرت علی (ع) است».

با کلمه بیداست که تفسیر این آیه‌ها بیان برخی از مضامین کامل آن است و کلمه آیات قرآن را نمی‌توان فقط به شخص یا زمان و مکان خاصی منحصر کرد».

### آیه تطهیر

از آیاتی که درباره امام حسین (ع) نازل شده، آیه ۳۳ سوره احزاب، معروف به آیه تطهیر است. امام باقر (ع) از حارث بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که: مادر محضر پیامبر (ص) در خانه ام سلمه بودند که این آیه نازل شد: «ایما برید الله لیدهب عنکم الراحن اهل‌البیث و یطهرکم تطهیراً؛ خداوند ارازه کرده است که بلندی و کناه را از ما اهل‌بیت (ع) دور کند و کاملاً شما را از آلودگی‌ها پاک نماید، بعد از نزول آیه، رسول خدا (ص) حسن و حسین و فاطمه (ع) را صدا داد و مقابلش نشاند و سپس علی را خواند و پشت سرش نشاند و آن‌گاه دست به دعا برداشت و فرمود: «خدا یا این‌ها اهل‌بیت منند، بلندی و رشتی‌ها را از آنان دور کرده و پاک و مطهرشان گردان، ام سلمه از پیامبر (ص) پرسید: یا رسول‌الله! آیا من هم از اهل‌بیت هستم؟ رسول خدا (ص) فرمود: «تو در راه نیک و خوبی قرار داری، جا می‌گویی من به آن حضرت گفتم: ای رسول‌خدا! همانا که خداوند متعال به این خاندان پاک و نسل پاکت منت نهاد و با برداشتن بلندی‌ها از آنان، مقامشان را کرامتی داشت».

پیامبر فرمود: «ای خابر! تکریم آنان به جهت این است که عبرت‌مند، گوشه و خوشان از من است، برادرم سرور اوصیاء و فرزندانم بهترین توهما، و دخترم بانوی بانوان است».

بعد از نزول آیه «و امر اهلک بالصلاه»، رسول خدا (ص) به مدت هشت ماه برای اقامه نماز صبح از کنار خانه فاطمه (ع) عبور می‌کرد و صدا می‌زد: «ای اهل‌بیت، هنگام نماز است. ایما یرید الله لیدهب عنکم الراحن اهل‌البیث و یطهرکم تطهیراً» طبق این حدیث و روایات متعدد دیگر، امام حسین (ع) یکی از مضامین بارز آیه تطهیر است».

### شایسته‌ترین مفسیر قرآن

افزون بر تکریم مقام شامخ امام حسین (ع) در آیات متعدد قرآنی، آن حضرت همواره تلاش می‌کرد



آموزه‌های قرآنی را در موارد متعدده به مشتاقان کلام وحی ارائه کند؛ چرا که آن بزرگوار از شایسته‌ترین مفسران قرآن بود.

روزی اصعب بن نباته به حضور امام حسین (ع) شرفیاب شد و پاسخ سؤال‌های علمی خود را از محضر آن حضرت گرفت. او می‌گوید بعد از آن امام حسین (ع) فرمود: «نَحْنُ الَّذِينَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ وَ بَيَانُ مَا فِيهِ وَ لَيْسَ لِأَخْدَمِينَ خَلْقُهُ مَا عِنْدَنَا لَأَنَّ أَهْلَ سِرِّ اللَّهِ؛ ما کسانی هستیم که دانش قرآن و تفسیر آیات آن در نزد ماست و کسی از مردم شایسته آن چه نزد ماست، نیست؛ چرا که ما گنجینه‌دار اسرار الهی هستیم».

اصعب بن نباته می‌گوید: امام در حالی که لیخند بر لب داشت، افزود: «نَحْنُ آلُ اللَّهِ وَ وَرَثَةُ رَسُولِهِ؛ ما خاندان خداوند و وارثان رسول خداییم».

امام حسین (ع) درباره استفاده از کلام خدا و مراتب درک آن می‌فرماید: «کتاب خداوند بر چهار بخش قسمت شده است؛ عبارات، اشارات، لطائف و حقائق آیات. عبارات برای عموم مردم است، اشارات برای فهم خواص و افراد ممتاز است، لطائف را اولیاء الهی می‌فهمند و حقائق قرآنی مخصوص پیامبران و رسولان خداوند است».

### نمونه‌هایی از تفسیر

از حضرت امام حسین (ع) در تفسیر قرآن مطالب فراوانی به ما رسیده است که نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم:

#### ۱. مسئولیت امت در امر ولایت

امام حسین (ع) درباره آیه: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ گوش و چشم و دل، همه این‌ها مورد سؤال قرار خواهند گرفت»<sup>۱۱</sup> فرمود: «روزی رسول خدا (ص) به علی بن ابی طالب (ع) اشاره کرد و فرمود: به عزت و جلال پروردگرم سوگند، تمام امت مرا در روز قیامت ننگه می‌دارند و از ولایت علی بن ابی طالب (ع) می‌پرسند و این معنای آیه قرآنی است که فرمود: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»<sup>۱۲</sup> آنها را ننگه‌دارید که همه‌شان مسئولند».

#### ۲. دو گروه متخاصم

نضر بن مالک روزی از آن حضرت پرسید: معنای آیه شریفه: «هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ؛ اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به دشمنی پرداخته‌اند»<sup>۱۳</sup> چیست؟

امام حسین (ع) فرمود: «ما و بنی‌امیه دو گروهی هستیم که درباره خدابریستی با یکدیگر به دشمنی پرداخته‌ایم. ما می‌گوییم: خدا راست گفت. آنان می‌گویند: خدا دروغ گفت. ما بنی‌هاشم با بنی‌امیه بر سر تصدیق و تکذیب خداوند، در روز قیامت دشمن هم خواهیم بود».

#### ۳ تفاوت پیشوایان

در سرزمین «ذات عرق» امام حسین (ع) با بشر بن غالب مواجه شد که از سوی کوفه می‌آمد. امام از وضعیت مردم عراق و اوضاع سیاسی سؤال کرد؛ او گفت که

دل‌های آنان با تو، اما شمشیرهایشان بر ضد توست. امام حسین (ع) با تصدیق و تأیید سخن بشر بن غالب این آیه را برای او قرائت کرد: «إِنَّا لِلَّهِ يُفَعَّلُ مَا يَشَاءُ»<sup>۱۷</sup> و «يُحْكَمُ مَا يَرِيدُ؛ خداوند آنچه را که بخواهد و اراده فرماید انجام خواهد داد».

بشر پرسید: یا ابا عبدالله! معنای این آیه چیست که خداوند می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِسْمِهِمْ؛ آن روزی که هر گروهی را با پیشوایانشان فرامی‌خوانیم»<sup>۱۸</sup> امام پاسخ داد: «ای برادر اسدی! دو نوع پیشوایان هست:

۱. پیشوای هدایت که به سوی راستگاری دعوت می‌کند.
۲. پیشوای گمراهی که به سوی بدبختی و ضلالت می‌برد.

هرکس از امام هدایت پیروی کند، او را به سوی بهشت می‌برد، و هرکس نزد پیشوای ضلالت باشد، به سوی آتش جهنم خواهد رفت».

#### ۴. فرجام پیمان شکنی

امام حسین (ع) در منزلگاه دیگری بعد از رویارویی با لشکر حر برای یاران خویش سخنانی گفت و در ضمن آن، مطالب مهمی را بیان فرمود، و در ادامه، اهل کوفه را از فرجام سخت پیمان شکنی بر حذر داشت و این آیه را قرائت کرد: «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»؛ هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است».

امام حسین (ع) تبیین کرد که بالاخره سختی‌ها و ناملائیات خواهد گذشت و حق روشن خواهد شد، اما لکنه ننگ پیمان شکنی تا بد بر پیشانی کوفیان باقی خواهد ماند و به کفر آن در قیامت گرفتار می‌شوند.

#### ۵. مقام شهادت

زید بن ارقم، روزی از امام حسین (ع) شنید که حضرت فرمود: «ما من شيعتنا إلا صديق شهيد؛ همه شیعیان ما راستگو و شهیدند»؛ زید با تعجب پرسید: فدایت شوم، چگونه این ممکن است؟ بسیاری از شیعیان شهادت بستر جان می‌دهند!

امام حسین (ع) فرمود: آیا این آیه قرآن را تلاوت نکرده‌ای که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ کسانی که به خدا و رسولان آسمانی او ایمان آورده‌اند، آنان همگی راستگوین و شهیدانند»<sup>۱۹</sup> زید بن ارقم می‌گوید: گوئی من این آیه را از کتاب خدا هرگز نخوانده بودم.

سپس امام حسین (ع) توضیح داد که: «اگر مقام شهدا منحصر در کشته‌شدگان در عرصه نبرد باشد. آن‌طور که تو فکر می‌کنی - آن وقت تعداد شهدا خیلی کم خواهد بود».

#### مبانی قرآنی نهضت عاشورا

از شیوه‌های تبلیغی امام حسین (ع) بهره‌گیری از آیات قرآن در مناسبت‌های مختلف بود. آن حضرت با این شیوه، افزون بر این‌که مبانی اهداف مقدس خود را بیان می‌کرد، آیات و حقایق قرآن را نیز تفسیر و تحلیل

می‌نمود و شأن نزول و موارد استفاده و مصادیق آن را یادآور می‌شد. آن حضرت وقتی که حرکت حماسی خود را در ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری در نیمه‌های شب یکشنبه از مدینه آغاز کرد، آیه‌ای از سوره قصص که درباره خروج حضرت موسی (ع) بود قرائت کرد و فرمود: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه انتظار حادثه‌ای را می‌کشید. عرضه داشت پروردگارا! مرا از دست این گروه ستمگر رهایی بخش»<sup>۲۵</sup> امام حسین (ع) با تلاوت این آیه خروج خود از مدینه و ترک شهر و دیار را اجباری و ترس از دشمنان اعلام کرد.

آن حضرت از جاده اصلی به مکه رفت و فرمود: «من از راه راست منحرف نمی‌شوم تا خداوند چه خواهد» و هنگامی که در روز جمعه سوم شعبان به مکه رسید، این آیه را تلاوت کرد: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ لِقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ؛ و چون موسی به سوی مدین متوجه شد، گفت: امیدوارم پروردگرم مرا به راه راست هدایت کند».

و به این وسیله هدف خود را حرکت در صراط مستقیم و تداوم راه انبیاء برای هدای مردم بیان کرد. امام (ع) وقتی در مکه مستقر شد، مردم شهر به خانه آن حضرت آمدند و به دیدارش ناثل می‌شدند.

در منزل ثعلبیه، عبدالله بن سلیمان و منذر بن مشععل اسدی می‌خواستند خبر شهادت حضرت مسلم را به امام (ع) برسانند. آنان نزد امام آمده و گفتند: یا ابا عبدالله! ما از کوفه خبری داریم، آیا در نهب به شما بگوییم یا آشکارا؟

امام (ع) فرمود: من با همراهمان را ز پنهانی ندارم. اینان همگی محرم اسرار منند. به امام گفتیم: ما از فرد موثقی اطلاع یافتیم که مسلم و هانی در کوفه کشته شده‌اند. امام حسین (ع) چندین بار آیه استرجاع را قرائت فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ راجعون»؛ ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم»<sup>۲۸</sup> سپس فرمود: «به خدا سوگند، من جوانان افراد سست‌تپور و زبون تسلیم نمی‌شوم و چون بردگان فرمان نمی‌پذیرم؛ و سپس این آیات را قرائت کرد: «وَلَيْتَ غَدَتُ بَرِّي وَرَيْتُكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ؛ اگر مرا سنگ‌باران کنید، به پروردگار خود و شما پناهنده خواهم شد»<sup>۲۹</sup> و «لَيْتَ غَدَتُ بَرِّي وَرَيْتُكُمْ مِنْ كُلِّ مَنكَبٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ»؛ من از شر هر متکبری که به روز قیامت ایمان ندارد، به خدای خویش و آفریدگار شما پناه می‌برم».

امام حسین (ع) هنگام رفتن علی اکبر (ع) به میدان با صدای بلند این آیه را تلاوت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. آنان فرزندان هستند که بعضی از نسل بعض دیگرند و خداوند شنوا و آگاه است».

در میان راه مکه و کوفه، عبدالله بن مطیع عدوی با امام حسین (ع) ملاقات کرد و متوجه قصد امام شد. او که از اوضاع کوفه باخبر بود، امام را از رفتن به کوفه شدیداً



نگاره

عطر بانها



## سالروز کشف حجاب

دی ۱۷

آن روزها که غیرت و مردی، جایی نداشت، اهریمن در پی تو بود تا پوشش عفاف را از تو بستاند. وقتی چنگال کثیف خود را به سوی تو دراز کرد، تو از او گریختی و پیچه چادرت را محکم تر گرفتی. سایه به سایه، دنبال می آمد. به رویت پنجه کشید و خواست عفت تو را بگیرد، اما تو راضی نشدی که از حجاب خویش دست برداری. شانه هایت را آزد، تو را در خون خود غلتاند، اما هم چنان دستت بر پیچه چادرت بود و یادگار زهر(اس) را رها نمی کرد.

تو ای خواهرم! بدان که دین، گلستان ارزش هاست و تونیز از غنچه های این گلستانی، و غنچه تا وقتی که در پرده است کسی خیال چین آن را در سر نمی پرورد. دست ها همراه به سوی گل دراز می شوند، تا آن را بچینند. او طراوت و زیبایی خود را در منظر اغیار به نمایش گذارده است، اما غنچه از گزند دسترسی به دور است و از آفت تیرهای زهرآگین هوس، بی خزان باقی می ماند. آن سان که بانوی عفاف و پرده نشینی، حضرت زهرا(س) فرموده است: «بهترین خیر برای زن آن است که به مردی نگاه نکند و مردی نیز او را ندیده باشد.» خواهرم! بازینت حجاب همراه پیرو بانوی عفاف باش. بدان هر اندازه که ارزش گوهری والا تر باشد، آن را در پرده های استوارتر می پیچند و هر قدر نایاب تر شود، آن را بیش تر از نگاه حریصان و طراران مخفی نگه می دارند. تونیز برای آن که خویش را از هر گزند مصون داری و از هیمنه ات، قلب بیمار دلان و هوس بازان در وحشت افتد، حجاب خویش را حفظ کن و بر وصیت های آن بانوی بهشتی جامه عمل پوشان.

درو در بر یکبار جاوید و جهاد اکبر تو.

### پی نوشت ها

۱. امالی طوسی، قم، نشر دارالتقافه، ص ۵۱۷: بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۷۵.
۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۷.
۳. ص ۲۲۲ (باب اخبر الله تعالی انبیاءه) ج ۱.
۴. اسراء، ۳۳.
۵. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۱۸ (باب الآیات المأوله لشهادته) ج ۷.
۶. حدید، ۲۸.
۷. حاکم حسکاتی، شواهد التنزیل، مؤسسه چاپ و نشر، ج ۲، ص ۲۰۸.
۸. علی بن محمد حجازی، کفایه الاثر، قم، نشر بیدار، ص ۶۵.
۹. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، نشر دارالمعرفه، ج ۴، ص ۳۱۲.
۱۰. محمد بن شهر آشوب مازندرانی، المناقب، قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ (فصل فی معجزات ابی عبدالله الحسین (ع)) ج ۲، ص ۵۲.
۱۱. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم، نشر رضی، ۱۳۶۲، ص ۴۱.
۱۲. اسراء، ۲۶.
۱۳. صافات، ۲۴.
۱۴. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، نشر جهان، ج ۱، ص ۳۱۲: بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۱۸۰.
۱۵. حج، ۱۹.
۱۶. شیخ صدوق، الخصال، قم، نشر جامعه مدرسین، ج ۱، ص ۴۲.
۱۷. حج، ۱۸.
۱۸. مائده، ۱.
۱۹. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۶۷ (باب ماجری علیه).
۲۰. فتح، ۱۰.
۲۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، نشر اعلمی، ج ۴، ص ۳۰۵.
۲۲. حدید، ۱۹.
۲۳. احمد بن خالد برقی، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۶۳.
۲۴. قصص، ۲۱.
۲۵. همل، ۲۲.
۲۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۲.
۲۷. بقره، ۱۵۶.
۲۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۲.
۲۹. دخان، ۲۰.
۳۰. غافر، ۲۷.
۳۱. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۴۲.
۳۲. آل عمران، ۲۲.
۳۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۲.
۳۴. توبه، ۵۱.
۳۵. احمد دبیوری، الاخبار الطوال، قم، نشر رضی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۴.
۳۶. احزاب، ۲۲.
۳۷. سید محسن امین، لواعج الاشجان، قم، نشر بصیرتی، ص ۹۵.
۳۸. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۰۲.
۳۹. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۵.
۴۰. کهف، ۵۱.
۴۱. امالی صدوق، نشر اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۲۱۹.
۴۲. کهف، ۹.
۴۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱: الإرشاد، ج ۲، ص ۱۱۶: اعلام الوری، ص ۲۵۱: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، نشر بنی هاشم، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۶.

منع کرد. امام حسین (ع) در پاسخ وی این آیه را خواند: «قُلْ لَنْ یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولا نا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون»<sup>۳۳</sup>؛ بگو: حادثه ای برای ما پیش نمی آید مگر آن چه را که خداوند برای ما مقرر داشته است. او مولا و سرپرست ماست و مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند.<sup>۳۴</sup>

آن گرامی وقتی در منزل «عذیب هجانات» خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی را شنید، اشک از چشمانش سرازیر شد و این آیه را قرائت فرمود: «فمَنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما ینکونوا تبدیلاً»<sup>۳۵</sup>؛ برخی بر سر پیمان خود جان باختند و برخی دیگر منتظر [وفای به عهد] هستند و هرگز پیمان خود را تبدیل و دگرگون نکرده اند.<sup>۳۶</sup>

همین آیه را در هنگام حضور بر بالین مسلم بن عوسجه که آخرین لحظات عمرش را سپری می کرد نیز قرائت فرمود. <sup>۳۷</sup> علامه مجلسی می فرماید: آن بزرگوار این آیه شریفه را هنگام خداحافظی و وداع یاران و فادارش، در پاسخ تک تک آنهایی قرائت می کرد.<sup>۳۸</sup>

وقتی که آن حضرت از عبیدالله بن حر جعفی درخواست یاری کرد، اواز پیوستن به لشکر امام، خودداری کرد و گفت: من اسی خوب و تدری دارم که می توانم آن را به شما تقدیم کنم. امام حسین (ع) ناراحت شد و این آیه را تلاوت فرمود: «و ما کنت متخذ المظیلین عضداً»<sup>۳۹</sup>؛ من افراد گمراه را حامی و یاور خود قرار نمی دهم.<sup>۴۰</sup>

### تلاوت قرآن بالای نیزه

از معجزات عظیم و شگفت امام حسین (ع)، تلاوت قرآن سر بریده آن مولا بر بالای نیزه است. شیخ مفید در این باره می نویسد: بعد از شهادت امام حسین (ع) وقتی سر مقدس آن حضرت را به نیزه زدند و داخل کوفه بردند، به دستور عبیدالله بن زیاد آن را در کوجه های شهر گرداندند و حتی در میان قبائل به علامت پیروزی نشان دادند. زید بن ارقم که شاهد این صحنه های رقت انگیز بوده می گوید: من از منزل خودم سر مقدس امام حسین (ع) را بالای نیزه مشاهده می کردم. وقتی آن سر نورانی را از مقابل منزل ما عبور می دادند، با کمال حیرت شنیدم که امام حسین (ع) این آیه شریفه را قرائت کرد: «و ام حسیبت ان اصحاب الکهف و الرقیم کانوا من ابائنا عجباً»<sup>۴۱</sup>؛ آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از آیات و نشانه های عجیب ما بودند؟! به خدا سوگند، در آن هنگام مویز بدین راست شد و بر خود لرزیدم. در آن حال گفتم: ای فرزند رسول خدا! تلاوت قرآن تو در بالای نیزه از اصحاب کهف و رقیم بسیار شگفت انگیزتر و عجیب تر است.<sup>۴۲</sup>